نفی هلیه‌ی بسیطه و مرکبه در مخلوقات از خداوند متعال

«**وإن قيل: لم يزل فعلی تأويل نفي العدم**»؛ لذا عرض کردم «لم یزل» خیلی جالب می‌شود. در جمله مقابله ماضی و گذشته نیست. بلکه دقیقاً اول حضرت علیه السلام فرمودند: اگر برای خداوند کان تامه به کار ببرید، معنایش این است که وجودش ازلی است؛ نه اینکه ظرف ماضویت برای کان تامه او منظور باشد. بعد هم وقتی فرمودند: «ازلیة الوجود» باز سراغ وجودش رفتند. گفتند وقتی هم می‌گویی‌م: «لم یزل موجودا، فعلی تاویل نفی العدم»؛ می‌خواهیم فقط عدم را از او نفی کنیم. نمی‌خواهیم یک وصف ثبوتی را برای او اثبات کنیم که دوباره برگردد و یک جور هلیه‌ی بسیطه مخلوقی شود؛ هلیه‌ی مرکبه یا هلیه‌ی بسیطه. «تاویل نفی العدم» یعنی وقتی برای خداوند متعال هلیه‌ی بسیطه به کار می‌بریم، بازگشت آن به هلیه‌ی بسیطه تشبیه‌ی در مخلوقات نیست. چرا؟؛ چون در تمام هیاکل عالم امکان، هر کجا شما هلیه‌ی بسیطه به کار ببرید، زوج مرکبی از ماهیت و وجود است. ولی در خدای متعال نفی نفی، اثبات می‌شود. اما این معلوم نیست. بلکه لازمه‌ی نفی نفی، اثبات است. آن هم اثباتی که در ما نحن فیه راجع به خداوند متعال است اثبات و توصیف به‌معنای مخلوقین نیست. «لاوجود الصفة». از تحف العقول خطبه را خواندم.

بازبینی #2
ایجاد شده 28 ژانویه 2024 13:57:10 توسط ... .
به روزرسانی شده 11 فوریه 2024 09:44:01 توسط ... .